

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Liability Arising from the Elimination of Opportunity-Enabling Factors in Imamiyyah Jurisprudence: A Comparative Analysis with the Concept of Causation

Ali Baghernazari¹, Abbas Moghaddari Amiri^{*2}, Mahdi Movahhedinia³

1. Private Law, Ara.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

2. Department of Private Law, Jo.c., Islamic Azad University, Jouybar, Iran.

3. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Edalet University, Tehran, Iran.

* Corresponding Author's Email: A.Moghaddari@iau.ac.ir

ABSTRACT

In Imamiyyah jurisprudence, involuntary liability (*'ishmān-e-qahrī*) arises in situations where an individual, without a prior contract, causes harm to another. One emerging issue in this domain is the liability resulting from the "elimination of opportunity-enabling factors"—that is, when an individual, through an act or omission, prevents another from realizing a legitimate benefit or deprives them of the opportunity to avoid a loss. Considering the expanding role of economic and occupational opportunities in contemporary economic structures, the notion of opportunity loss has garnered increasing jurisprudential and legal attention. The primary objective of this study is to clarify the jurisprudential position of liability arising from the loss of opportunity and to comparatively analyze it with the concept of causation (*tasbīb*). This research is conducted through a descriptive-analytical method and seeks to derive jurisprudential criteria for establishing liability by examining jurisprudential sources, principles of Islamic jurisprudence, the views of Imamiyyah jurists, and comparative legal texts. The research data have been collected from library sources, narrations (*riwāyāt*), juristic opinions (*fatāwā*), and legal texts. The findings indicate that although in classical jurisprudence, loss of profit (*'adam al-naf'*) alone does not suffice to establish liability, under the evolving norms of economic custom (*'urf*), legitimate opportunities may now be regarded as possessing pecuniary value. According to foundational legal principles such as destruction (*itlāf*), no harm (*lā ḍarar*), causation (*tasbīb*), and liability of possession (*ḍamān al-yad*), if a person through an act or omission causes the destruction of another's legitimate opportunity, and such causation is attributable and recognizable under customary standards, and the harm incurred is assessable under customary metrics, then liability may indeed be established. Furthermore, the comparative analysis of opportunity loss with the jurisprudential rule of *tasbīb* reveals a significant degree of overlap, suggesting that opportunity loss may be understood as a novel instance of causation. Relying on jurisprudential principles and contemporary analytical tools, the liability arising from the destruction of opportunity-enabling factors is acceptable within Imamiyyah jurisprudence. Although its realization depends on the verification of customary causality, attributability, and the definitiveness of harm, the jurisprudential framework of Imamiyyah law presents considerable capacity for accommodating this type of liability, whether under the rubric of *itlāf* or *tasbīb*.

Keywords: *Opportunity loss, Imamiyyah jurisprudence, Causation (tasbīb), Civil liability, Involuntary liability, Loss of profit ('adam al-naf'), Opportunity-enabling factors.*

How to cite: Baghernazari, A., Moghaddari Amiri, A., & Movahhedinia, M. (2025). Liability Arising from the Elimination of Opportunity-Enabling Factors in Imamiyyah Jurisprudence: A Comparative Analysis with the Concept of Causation. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 3(2), 1-17.



تاریخ ارسال: ۲۸ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۶ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۲۵ مرداد ۱۴۰۴

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقه

ضمان ناشی از از بین بردن اسباب فرصت در فقه امامیه؛ بررسی تطبیقی با مفهوم تسبیب

علی باقرنظری^۱، عباس مقدری امیری^۲، مهدی موحدی نیا^۳

۱. گروه حقوق خصوصی، واحد بین المللی ارس، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۲. گروه حقوق خصوصی، واحد جویبار، دانشگاه آزاد اسلامی، جویبار، ایران.

۳. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه عدالت، تهران، ایران.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: A.Moghaddari@iau.ac.ir

چکیده

در فقه امامیه، ضمان قهری در مواردی مطرح است که فردی بدون قرارداد قبلی، موجب ورود زیان به دیگری شود. یکی از مسائل نوظهور در این حوزه، ضمان ناشی از «از بین بردن اسباب فرصت» است؛ یعنی حالتی که شخصی با اقدام یا ترک فعل خود، مانع تحقق منفعت مشروع دیگری می‌شود یا امکان اجتناب از ضرری را از او سلب می‌نماید. با توجه به گسترش نقش «فرصت‌های مالی و شغلی» در ساختار اقتصادی امروز، مسئله تفویت فرصت از منظر فقهی و حقوقی اهمیت بیشتری یافته است. هدف اصلی این پژوهش، تبیین جایگاه فقهی ضمان ناشی از تفویت فرصت و بررسی تطبیقی آن با مفهوم تسبیب است. این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و با بررسی منابع فقهی، اصول فقه، دیدگاه فقهای امامیه و همچنین متون حقوق تطبیقی، سعی در استخراج معیارهای فقهی برای اثبات ضمان در این زمینه دارد. داده‌های تحقیق از منابع کتابخانه‌ای، روایی، فتاوی فقها و متون حقوقی گردآوری شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که اگرچه در فقه کلاسیک، «عدم‌النفع» به‌تنهایی موجب ضمان نیست، اما با توجه به تحول عرف اقتصادی، فرصت‌های مشروع نیز مصداق مالیت یافته‌اند. بر اساس قواعدی چون اتلاف، لاضرر، تسبیب و ضمان ید، چنانچه شخصی با فعل یا ترک فعل خود سبب از بین رفتن فرصت مشروع دیگری شود و این امر قابل انتساب و دارای سببیت عرفی باشد و زیان وارد شده نیز قابل ارزیابی عرفی باشد، می‌توان برای آن ضمان قائل شد. همچنین از تطبیق تفویت فرصت با قاعده تسبیب فقهی، همپوشانی قابل توجهی به‌دست آمد؛ به‌گونه‌ای که تفویت فرصت را می‌توان به‌عنوان مصداقی نوین از تسبیب قلمداد کرد. با تکیه بر اصول فقهی و تحلیل‌های نوین، ضمان ناشی از از بین بردن اسباب فرصت در فقه امامیه قابل پذیرش است. هرچند تحقق آن مشروط به احراز رابطه سببیت عرفی، قابلیت انتساب و قطعیت ضرر می‌باشد، اما ظرفیت فقه امامیه برای شمول این نوع ضمان، چه از باب اتلاف و چه از منظر تسبیب، قابل توجه و قابل توسعه است.

کلیدواژگان: تفویت فرصت، فقه امامیه، تسبیب، مسئولیت مدنی، ضمان قهری، عدم‌النفع، اسباب فرصت.

نحوه استناددهی: باقرنظری، علی، مقدری امیری، عباس، و موحدی نیا، مهدی. (۱۴۰۴). ضمان ناشی از از بین بردن اسباب فرصت در فقه امامیه؛ بررسی تطبیقی با مفهوم تسبیب. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۳(۲)، ۱۷-۱.



ضمان شناسایی و تحلیل شود. آیا در فقه امامیه، ضمان ناشی از از بین بردن اسباب فرصت قابل اثبات است و آیا می‌توان آن را ذیل قاعده تسبیب تحلیل کرد؟ به نظر می‌رسد که با احراز سه عنصر سببیت عرفی، قابلیت انتساب، و قطعیت عرفی زیان، می‌توان ضمان ناشی از تفویت فرصت را بر اساس قواعد فقهی مانند تسبیب، اتلاف و لاضرر اثبات کرد.

اگرچه برخی آثار به‌طور کلی به موضوع تفویت فرصت پرداخته‌اند، اما بررسی فقهی-تطبیقی آن در چارچوب قاعده تسبیب کمتر صورت گرفته است. آثاری از فقیهانی چون آیت‌الله صائمی، آیت‌الله مکارم و پژوهشگرانی مانند فلاح (۱۴۰۱) و نقیبی (۱۳۹۷) به این موضوع اشارات مهمی داشته‌اند (Fallah & Meysami, 2022; Naqibi & Zarchi-Pour, 2018). ولی تحلیل منسجم و تطبیقی آن همچنان جای کار دارد. از این‌رو، پژوهش حاضر می‌کوشد این خلأ را تا حد امکان پوشش دهد.

مفهوم «از بین بردن اسباب فرصت» و «تفویت فرصت»

«اسباب فرصت» به عواملی اطلاق می‌شود که فرد را به موقعیت کسب منفعت مشروع یا دفع ضرر می‌رسانند. مثلاً راه آب یک نهر کشاورزی یا معابر امن در مسیر فرار در مواقع خطر از اسباب مهم فرصت‌اند. «از بین بردن اسباب فرصت» یا «تفویت فرصت» یعنی کسی عمداً این عوامل را برهم زند؛ مثلاً بستن مسیر آب یا مانع تراشی در راه فرار. پژوهش‌های حقوقی نشان می‌دهند «تفویت فرصت» را می‌توان ایجاد مانعی در برخورداری شخص از یک موقعیت خاص یا اجتناب از ضرر دانست. در نگاه این مطالعات، فقها اگرچه از این عبارت به‌صراحت استفاده نکرده‌اند، اما فقدان چنین فرصت‌هایی را «نوعی ضرر» قلمداد کرده‌اند. به بیان دیگر، فقدان فرصت کسب منفعت یا دفع زیان، بر پایه موازین فقهی مصداق ضرر محسوب شده و مستلزم جبران است (Zarei et al., 2021).

در نظام‌های حقوقی و فقهی، یکی از مهم‌ترین مباحث در حوزه مسئولیت مدنی، بررسی مواردی است که شخص بدون ایجاد ضرر مستقیم و آشکار، موجب زیان غیرمستقیم به دیگری می‌شود. یکی از مصادیق نوظهور و بحث‌برانگیز این مسئله، «از بین بردن اسباب فرصت» یا همان تفویت فرصت است. این مفهوم ناظر بر شرایطی است که شخصی به‌گونه‌ای مانع تحقق یک فرصت مشروع برای دیگری می‌شود؛ مانند جلوگیری از حضور فرد در یک آزمون، یا ممانعت از انعقاد قرارداد سودآور. با تحول در ساختارهای اقتصادی و ارزش‌گذاری بر زمان و موقعیت، فرصت‌های قابل تحقق مالی، نوعی سرمایه و دارایی تلقی می‌شوند که از بین رفتن آن‌ها می‌تواند مصداق ضرر باشد.

در فقه امامیه، قواعدی چون اتلاف، لاضرر، ضمان ید و تسبیب مبنای ضمان قهری را تشکیل می‌دهند. اما این پرسش وجود دارد که آیا از بین بردن یک فرصت، که در ظاهر نه مال خارجی است و نه ضرر قطعی، می‌تواند تحت شمول این قواعد قرار گیرد و موجب ضمان شود؟ در ادبیات فقهی کلاسیک، عدم‌النفع غالباً ضمان‌آور تلقی نمی‌شد، اما تحولات اجتماعی و حقوقی اخیر ایجاب می‌کند که مفاهیم فقهی بازخوانی شوند.

در دنیای امروز، بسیاری از دعاوی حقوقی بر پایه فرصت‌های از دست رفته مطرح می‌شوند، به‌ویژه در حوزه‌های پزشکی، استخدام، قراردادهای تجاری و رقابت‌های اقتصادی. با این حال، در رویه فقهی هنوز چارچوب نظری روشنی برای ضمان ناشی از تفویت فرصت وجود ندارد. این خلأ می‌تواند منجر به تضییع حقوق اشخاص شود. بررسی فقهی دقیق این مسئله می‌تواند مبنای تقنین، داوری و فتاوی کاربردی قرار گیرد.

هدف اصلی این پژوهش، تبیین مبانی فقهی ضمان ناشی از از بین بردن اسباب فرصت و بررسی تطبیقی آن با مفهوم تسبیب در فقه امامیه است. در این راستا تلاش می‌شود حدود و شرایط تحقق این

به نظر نگارنده از منظر قاعده «لا ضرر»، هیچ فرق اصولی نیست بین ائتلاف یک مال و «منع فرصت دیگری از منفعت مشروع». در هر دو حالت شخص دیگری از حق مشروع خود محروم شده است. بنابراین، اعمالی که واسطه‌ای موجب از بین رفتن موقعیت مشروع دیگران می‌شوند، اساساً باید نظیر ائتلاف عینی مال، ضامن را مکلف به جبران کند. در این نگاه، تنها تفاوت صورت در تشخیص دقیق اسباب و مناسبت‌های حصول ضرر است.

در حقوق ایران بحث از فرصت از دست رفته به طور معمول در بحث از ارکان مسئولیت و ذیل عنوان مسلم بودن ضرر مطرح می‌شود. در این خصوص باید به این سوال پاسخ داد که آیا نفس از دست دادن فرصت، ضرر مسلم به حساب می‌آید یا خیر؟

به طور کلی، اصل وقوع ضرر در نتیجه از دست دادن فرصت قابل قبول است؛ لیکن تعیین ضابطه‌ای برای ارزیابی خسارت دشوار (Chegwei, 2008; Perillo, 1994). برخی از حقوقدانان در

این مورد بیان داشته اند: «بدیهی است که نمی‌توان خسارت کامل ناشی از عدم حصول نتیجه را ملاک قرار داد؛ زیرا بنابر مفروض حصول نتیجه قطعی و مسلم نیست و این خسارت احتمالی تلقی می‌شود؛ مثلاً در فرض از دست دادن فرصت شرکت در آزمون یا فرصت معالجه بیمار، نمی‌توان جبران کامل خسارت ناشی از عدم شرکت یا عدم معالجه را مطالبه کرد؛ این خسارت احتمالی است؛ لیکن نفس از دست دادن فرصت در این گونه موارد ضرری است که باید جبران شود. دادگاه‌های فرانسه برای ارزیابی خسارت بیشتر به درجه احتمال حصول نتیجه توجه می‌کنند. به عبارت دقیق تر درجه احتمال حصول نتیجه توجه هم در تحقق خسارت و هم در تعیین میزان آن مورد توجه واقع می‌شود.» (Safai & Rahimi, 2012).

به طور کلی، مسئولیت خوانده زمانی محقق می‌شود که بتوان نشان داد تقصیر او منشأ ورود خسارت بوده است. در اکثر موارد، وجود تقصیر امکان تدوین یک چارچوب روشن برای بررسی نقش رفتار

خوانده در ایجاد آسیب به خواهان را فراهم می‌آورد. بنابراین، خواهان باید اثبات کند که خسارتی که متحمل خواهد شد، ناشی از تقصیر خوانده است. فرض بر این است که میان تقصیر و زیان وارده یک رابطه‌ی علت و معلولی مستقیم و مؤثر وجود دارد.

در بسیاری از دعاوی، منشأ آسیب روشن است و تمرکز اصلی دادگاه بر این موضوع خواهد بود که آیا خوانده در رفتار خود مرتکب تقصیر شده است یا خیر؟ و آیا اقدامات او با استانداردهای رفتاری شخص محتاط و معقول مطابقت دارد یا نه؟ با این حال، در شماری از پرونده‌ها، به‌ویژه در زمینه دعاوی مرتبط با از دست رفتن فرصت درمان، منشأ خسارت به روشنی مشخص نیست و معلوم نمی‌شود که آیا سهل‌انگاری خوانده منشأ زیان بوده یا عوامل دیگری نیز در این میان نقش داشته‌اند.

در نظام حقوقی انگلستان، احراز رابطه سببیت معمولاً بر پایه آزمون موسوم به «اما به علت» انجام می‌شود (Safai & Rahimi, 2012; Safai & Rahimi, 2015). بر اساس این معیار، فقط زمانی می‌توان رابطه علیت را پذیرفت که اگر رفتار خوانده نبود، زیان نیز واقع نمی‌شد.

این معیار در مواردی که چندین علت محتمل برای خسارت وجود دارد، چالش برانگیز است. برای مثال، اگر فردی بر اثر سهل‌انگاری پزشک یا شرایط دیگری جان خود را از دست دهد، شاول از این وضعیت به عنوان «علیت مبهم» یاد می‌کند (Shavell, 1985).

در چنین شرایطی، هنگامی که مشخص نباشد کدام عامل دقیقاً منجر به خسارت شده، و نتوان هیچ‌یک از علل را به طور قطعی نادیده گرفت، آزمون «اما به علت» کارایی خود را از دست می‌دهد. در نتیجه، تأکید بیش از حد بر این معیار ممکن است موجب شود برخی افراد خاطی از مسئولیت فرار کنند و زیان‌دیدگان نیز بدون جبران باقی بمانند (Frasca, 2008).

از دست دادن فرصت و رابطه سببیت

را معادل عدم وقوع ضرر دانست و در نتیجه، فعل پزشک را به عنوان سبب ضرر قلمداد کرد (Fazel Lankarani, 2014).

مبانی فقهی ضمان در فقه امامیه

قاعده اتلاف و شمول آن بر تفویت فرصت

قاعده مشهور «مَنْ أَتْلَفَ مَالَ الْغَيْرِ فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ» که مبنای آن در روایات و اجماع فقهاست، یکی از پرکاربردترین قواعد ضمان در فقه امامیه به شمار می‌رود. مفهوم این قاعده چنان‌که شیخ انصاری در المکاسب شرح می‌دهد، شامل اتلاف منافع نیز می‌شود: «المراد بالاتلاف أعم من التلف الحسی و المعنوی، فلو أَتْلَفَ مَنْفَعَةُ الدار أو المكان المملوک، کان ضامناً لأجره المثل». (Al-Ansari, 2009).

این دیدگاه نشان می‌دهد که منافع، گرچه عین خارجی نیستند، اما از نظر فقهی مالیت دارند و اتلاف آن‌ها، مصداق ضمان قهری است. از این رو، اگر کسی موجب از بین رفتن یک فرصت قابل حصول و متعارف (مثل فرصت شغلی یا سود قراردادی) شود، اگر آن فرصت عرفاً ارزش مالی داشته باشد، اتلاف محسوب می‌شود. صاحب جواهر الکلام نیز در بحث ضمان منافع غصب‌شده تصریح می‌کند: «الضمان لا یختص بالأعیان، بل یشمل المنفعة إذا أتى بما یوجب زوالها أو منعها». (Najafi, 1988).

از این منظر، تفویت فرصت نه به اعتبار تملک، بلکه به اعتبار «زوال امکان انتفاع مشروع»، می‌تواند مشمول قاعده اتلاف باشد. در واقع، با تحول ساختار اقتصاد و ارزش‌گذاری بر زمان و موقعیت، فرصت‌های مشروع، مصداق مالیت شده‌اند و تضییع آن‌ها تلف محسوب می‌شود.

قاعده لاضرر و قاعده احسان در موضوع تحقیق

قاعده لاضرر، از اصول فقهی بنیادین است که بر پایه حدیث «لا ضرر و لا ضرار فی الإسلام» بنا شده است (Al-Hurr Al-Amili, 1989). این قاعده در فقه کاربرد وسیعی دارد و هر نوع زیانی که عرفاً غیرموجه باشد را موجب ضمان می‌داند.

از منظر منطقی، بررسی رابطه‌ی سببیت متفرع بر احراز وقوع ضرر است؛ بدین معنا که تا زمانی که وجود خسارت به اثبات نرسیده، بحث از سبب یا اسباب آن بی‌مورد خواهد بود. به همین دلیل، در حالت نخست از دست رفتن فرصت که مربوط به تحصیل منفعت است، چون تحقق ضرر محل تردید است، اصولاً مجالی برای ارزیابی رابطه‌ی سببیت باقی نمی‌ماند. اما در حالت دوم، یعنی هنگامی که فرد فرصت اجتناب از زیان را از دست می‌دهد، با توجه به تحقق ظاهری ضرر، موضوع سببیت مطرح می‌شود و محل تأمل در خصوص امکان جبران این خسارت است.

صرف‌نظر از تعاریف متنوع ارائه‌شده از رابطه سببیت، نقطه اشتراک تمام آن‌ها در این است که عملی تنها زمانی می‌تواند «سبب» تلقی شود که دست‌کم وجود آن برای تحقق ضرر ضروری باشد؛ به عبارت دیگر، در نبود آن عمل، ضرر نیز واقع نمی‌شد. البته این پرسش مطرح است که آیا صرف ضرورت وجودی برای اثبات رابطه سببیت کفایت می‌کند یا نه؛ هرچند این موضوع نیازمند بررسی گسترده‌تری است، اما در اینکه این شرط، شرطی لازم و غیرقابل انکار برای احراز رابطه سببیت است، تردیدی وجود ندارد. بر اساس دیدگاه سنتی نسبت به مفهوم سببیت، هرگاه میان رفتار تقصیرآمیز و ضرر وارده، پیوندی برقرار نباشد که بتوان گفت نبود آن رفتار مساوی با عدم وقوع خسارت است، آن رفتار را نمی‌توان به عنوان «سبب» تلقی کرد. این حداقل لازم در تمامی نظریه‌های حقوقی پیرامون سببیت مورد پذیرش است (Rogers, 1994).

با اتکا بر چنین درکی از مفهوم سبب، در مواردی که فرد صرفاً امکان جلوگیری از ورود خسارت را از دست می‌دهد، نمی‌توان رابطه‌ی سببیت میان تقصیر و ضرر برقرار کرد. به عنوان مثال، در موردی که بیمار به دلیل خطای پزشک جان خود را از دست می‌دهد یا دچار معلولیت می‌شود، نمی‌توان به صورت قطعی اثبات کرد که اگر قصوری از سوی پزشک رخ نمی‌داد، نتیجه‌ی فاجعه‌آمیز نیز حتماً متفی بود. به بیان دیگر، نمی‌توان عدم تقصیر

غیرقانونی فرصت استخدام - می‌توان با استناد به ضمان ید، او را مسئول دانست.

همچنین نظریه مسئولیت مطلق که در برخی فتاوا و آراء معاصر آمده، ناظر بر این است که اثبات تقصیر یا سوءنیت برای تحقق ضمان شرط نیست، بلکه صرف انتساب عرفی ضرر کفایت می‌کند. آیت‌الله صانعی در این زمینه می‌نویسد: «تقیید ضمان به تعدد أو تقصیر لا وجه له، فَإِنَّ مقتضى العدل أن يكون من أُلِفَّ أو فوَّت الفرصة، ضامناً لما فات.» (Sanai, 2019).

به همین منظور فقها نظرات مختلفی درباره ضمان فرصت ارائه کرده اند که بدین شرح می‌باشد:

فقه‌های متقدم

شیخ طوسی در الخلاف ضمان را محدود به اعیان می‌داند، اما در باب غصب اجرت‌المثل منافع را می‌پذیرفت (Tusi, 1987). علامه حلی در تحریر الأحكام معتقد است که منع از سکونت در خانه، مستوجب ضمان منافع است (Khomeini, 1989). صاحب جواهر با بیانی قاطع می‌گوید: «الغاصب إذا منع الانتفاع بالدار، ضمن المنفعة و لو لم يحدث تلف في العين.» (Najafi, 1988).

فقه‌های معاصر

امام خمینی در تحریر الوسیله ضمان از بابت ممانعت از اشتغال و فرصت‌های مالی را تأیید می‌کند (Khomeini, 1989). آیت‌الله مکارم شیرازی در استفتاء صریحی پاسخ می‌دهند: «هرگاه کارفرما بی‌دلیل از کار فردی جلوگیری کند، نسبت به اجرت‌المثل زمان از دست‌رفته ضامن است.» (پایگاه استفتانات، سؤال شماره ۵۶۴۸)

آیت‌الله سیستانی در الدر الوسیعه تصریح می‌کند که ضمان در تفویض فرصت، منوط به تحقق ضرر قابل تشخیص و اثبات انتساب است (Sistani, 2019).

امام خمینی در تحریر الوسیله تصریح می‌کند: «إذا كان الفعل موجباً للضرر المحرّم و لم يكن مبرراً بحکم شرعی، فالضمان ثابت.» (Khomeini, 1989)

بر این اساس، اگر فعل فاعل، موجب محروم شدن دیگری از نفع مشروعی شود و دلیل شرعی موجهی برای آن وجود نداشته باشد، ضامن خواهد بود؛ حتی اگر ضرر وارد شده، به شکل از بین رفتن یک فرصت باشد.

در برابر، قاعده «احسان» (لا ضمان علی المحسن) مقرر می‌دارد که اگر کسی از روی نیت خیر و بدون تعدی یا تفریط، عملی انجام دهد که منتهی به زیان شود، ضامن نخواهد بود (Shahid Thani, 1983).

برای مثال، اگر پزشکی مانع امضای قرارداد شخصی شود، زیرا خطر جدی برای سلامت او پیش‌بینی کرده، در صورت فقدان سوءنیت و انجام تکلیف حرفه‌ای، احسان مانع ضمان خواهد بود. اما اگر کارفرما یا صاحب‌نفوذی، بدون مجوز قانونی مانع فرصت شغلی کارگر یا متقاضی شود، مشمول لاضرر است و باید خسارت ناشی از تفویض آن فرصت را جبران کند.

قاعده ضمان ید و نظریه مسئولیت مطلق

قاعده ضمان ید در کلام شیخ طوسی چنین آمده: «کل ید علی مال الغیر فهو له ضامن، حتی يؤدیه إلى صاحبه.» (Tusi, 1987). این قاعده، صرف تصرف در مال غیر را موجب ضمان می‌داند؛ حتی اگر عین مال تلف نشده باشد. فقهایی مانند صاحب جواهر و امام خمینی نیز با توسعه این قاعده، آن را شامل منافع نیز دانسته‌اند.

آیت‌الله فاضل لنکرانی در درر الفوائد بیان می‌دارد: «الید فی الفقه لا تنحصر بالعین، بل تشمل المنافع و الحقوق إذا كانت تحت سلطنة شخص بغیر إذن.» (Fazel Lankarani, 2014).

بنابراین، اگر کسی با تصرف یا جلوگیری غیرمجاز، سبب از بین رفتن منفعت مشروع دیگری شود - مثلاً بستن مغازه، لغو

می‌رسد فقها با تجویز ضمان برای غاصب و مسبب واسطه (تسبیب)، نشان داده‌اند هر گاه حق مشروع دیگری نقض شود - حتی از طریق منع فرصت - مسئولیت مدنی ایجاب می‌شود. این نگاه، از عدالت فقهی و قاعده لاضرر نشأت می‌گیرد.

ماهیت «تفویت فرصت» و ضمان ناشی از آن در فقه امامیه

«تفویت فرصت» یا به عبارت دیگر «از دست رفتن فرصت کسب منفعت یا دفع ضرر» در فقه امامیه به معنای محروم شدن شخص از فرصتی است که می‌توانسته در صورت بروز یا عدم تحقق عمل زیانبخش، منفعتی کسب کند یا ضرری را دفع نماید. فقها در قابلیت مطالبه جبران خسارت ناشی از تفویت فرصت اختلاف نظر دارند. برخی فقها (از جمله نجفی و انصاری) با استناد به اینکه صرف «عدم النفع» مشمول عنوان «ضرر مادی» نیست و همچنین مشمول غصب نمی‌باشد، جبران آن را لازم نمی‌دانند (یعنی ضمان ساقط است) (Aboulghasemi, 2022).

در مقابل گروهی از فقها بر خلاف مشهور، با استفاده از اصل «لاضرر» و قاعده اتلاف و تکیه بر عرف اقتصادی مبنی بر ارزش مالی مزایای از دست رفته، جبران تفویت فرصت را جایز می‌دانند. امروزه در میان حقوق‌دانان نیز بر قابلیت مطالبه خسارت ناشی از تفویت فرصت اتفاق نظر نسبی پدید آمده و عناصری چون اصل جبران کامل خسارات و مراجع قضایی جدید این امر را تأیید می‌کنند. مطالعات پژوهشی جدید نشان می‌دهد که قاعده «لاضرر» و حتی قاعده «اتلاف» می‌توانند مبنایی برای جبران تفویت فرصت باشند. به علاوه، در عرف فقها نیز عملاً این تصور تقویت شده که اگر کسی مانع تحقق منافع مسلم دیگری شود - مثلاً بستن محل کسب یا حبس کارگر - ضامن منافع مدتی خواهد بود (Esta et al., 2023).

به نظر نگارنده با توجه به مبانی اقتصادی و اجتماعی ضمنی در موضوع و جریان نظرات فقها و حقوق‌دانان معاصر، تفویت فرصت را به عنوان یکی از مصادیق ارزشمند ضرر قابل جبران می‌دانم،

آیت‌الله صانعی از منظر عدالت فقهی، به وضوح نظریه ضمان تفویت فرصت را تأیید کرده و آن را ذیل قواعد اتلاف، تسبیب و لاضرر توجیه می‌کند (Sanai, 2019).

از مجموع آراء فقهای متقدم و متأخر به وضوح می‌توان برداشت کرد که:

- منافع مشروع عرفی، دارای مالیت فقهی‌اند.
 - تفویت این منافع اگر منتسب به فاعل باشد، موجب ضمان است.
 - چه از باب اتلاف، چه لاضرر و چه ضمان ید، قواعد فقهی کافی برای شمول این ضمان فراهم‌اند.
- بنابراین در فقه امامیه، ظرفیت نظری و عملی کاملی برای پذیرش ضمان ناشی از از بین بردن اسباب فرصت وجود دارد.
- فقه امامیه در موضوع ضمان قهری، ادله مختلفی دارد که می‌تواند شامل زیان‌های ناشی از از بین رفتن فرصت نیز شود. به طور خاص، فقها، اتلاف مال غیر را سبب ضمان قهری می‌دانند و غاصب نیز مسئول نقص یا عیبی است که در زمان تصرف او در مال غیر وارد شود. با اتکا به این اصول، فقدان فرصت نیز مصداق «ضرر مسلم» تلقی می‌شود و مسئول آن باید ضامن زیان شناخته شود. علاوه بر این، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که در صورت انجام فعل زیان‌بار به صورت «وساطت» یا غیرمستقیم، این وضعیت همچون تحقق قاعده تسبیب است؛ به این معنا که از نظر فقهی اگر اتلاف مال به واسطه باشد، همان تسبیب محسوب شده و مسئولیت وابسته به تقصیر مسبب است. بدین ترتیب، حتی اگر خود عامل مستقیم نباشد، عمل شخص ثالث که اسباب فرصت را از میان برده سبب ضمان می‌شود (Fallah & Meysami, 2022).

به نظر نگارنده از آنجا که فقها اهتمام دارند همه انواع تجاوز به حقوق دیگران را پوشش دهند، می‌توان «سلب فرصت مشروع» را در چارچوب قواعد اتلاف و تسبیب قرار داد. بر خلاف برخی ادعاها که «عدم حصول ضرر مالی» را مانع ضمان می‌دانند، به نظر

هرچند تحقق جبران مستلزم تحقق «قطعیت عرفی خسارت» است. این دیدگاه با عموم قاعده لاضرر و توجه به قاعده اتلاف منافع (به خصوص در عصر حاضر) قابل جمع به نظر می‌رسد.

به نظر نگارنده مطالعه دقیق فقهای امامیه نشان می‌دهد که هرگونه اقدام مسبب‌الزیان - مستقیم یا واسطه‌ای - که منجر به محرومیت دیگری از حقوق مشروع خود شود، مشمول ضمان قهری است. در این میان، «از بین بردن اسباب فرصت» اگرچه اصطلاحی نوظهور است اما در حقیقت موضوع آن با روح قاعده اتلاف و قواعد امثال تسبیب و لاضرر سازگار است. فقها عمدتاً چنین مانعی را سبب تحقق نوعی خسارت دانسته و رفع آن را از مصادیق عدالت مدنی می‌دانند. در نتیجه، می‌توان نتیجه گرفت که ضمان ناشی از از بین رفتن فرصت از لحاظ فقهی توجیه‌پذیر بوده و قواعد شناخته شده ضمان، امکان برخورد با این نوع ضرر را فراهم می‌کنند.

به نظر نگارنده بر اساس مبانی فقهی و تحلیل مقایسه‌ای فوق، مناسب است «ضمان ناشی از از بین بردن اسباب فرصت» را به عنوان مصداقی از ضمان تسبیبی در نظر بگیریم. با توجه به هدف نهایی فقه در حفظ حقوق و جلوگیری از ضرر دیگران، سیاست فقهی حکم می‌کند هر کس مانع اجرای حق مشروع دیگری شود، مسئول جبران زیان آن باشد، خواه آن حق یک منفعت مالی باشد یا یک فرصت جلوگیری از ضرر تلقی گردد.

احراز سببیت، قابلیت انتساب، قطعیت عرفی زیان

در فقه امامیه، ضمان قهری مشروط به تحقق «سببیت عرفی»، «قابلیت انتساب»، و «وجود ضرر قابل ارزیابی» است. وقتی از ضمان تفویض فرصت سخن گفته می‌شود، باید ثابت گردد که شخصی با فعل یا ترک فعل خود، سبب مؤثر در از بین رفتن یک فرصت مشروع و متعارف شده است (Fallah & Meysami, 2022).

احراز سببیت

اولین گام برای اثبات ضمان در این زمینه، احراز رابطه عرفی بین فعل فاعل و نتیجه‌ی تفویض فرصت است. فقهاء امامیه، مانند بسیاری از مکاتب حقوقی، برای تحقق ضمان قهری، «تأثیر عرفی» را معیار می‌دانند؛ یعنی اگر مردم در عرف، رفتار فاعل را علت محرومیت از فرصت بدانند، رابطه‌ی سببیت برقرار است (Naqibi & Zarchi-Pour, 2018). در تفویض فرصت، چون نتیجه تلف مال یا شیء نیست، بلکه از دست رفتن منفعتی محتمل و عرفاً ارزشمند است، اثبات این رابطه دشوارتر خواهد بود.

برای مثال، اگر شخصی مانع حضور دیگری در مناقصه‌ای اقتصادی شود و اثبات گردد که شرکت‌کننده از شانس واقعی موفقیت برخوردار بوده، سببیت عرفی برقرار است. اما اگر حضور او صرفاً احتمالی و فرضی باشد، سببیت قابل اثبات نیست.

قابلیت انتساب

صرف اثبات سببیت کافی نیست. باید رفتار زیان‌آور قابل انتساب به فاعل باشد. فقهاء انتساب را در صورتی می‌پذیرند که فعل از روی اراده و آگاهی صورت گرفته باشد یا از دایره مسئولیت‌های عرفی او خارج نباشد. برای مثال، اگر کارفرما بدون دلیل قانونی مانع اشتغال کارگر شود یا فرصت قرارداد کاری او را تضییع کند، عمل او قابل انتساب فقهی است (Mirshakari & Madadi, 2023).

در مقابل، اگر شخصی به‌طور غیرعمد یا در چارچوب وظیفه‌ی قانونی خود موجب از بین رفتن فرصت شود (مثلاً مأمور آتش‌نشانی در شرایط اضطراری موجب بسته شدن مسیر تجاری فردی شود)، عرفاً انتساب نمی‌پذیرد، زیرا رفتار فاعل موجه است.

قطعیت عرفی زیان

بیشترین چالش ضمان تفویض فرصت، در عنصر «ضرر» نهفته است. در فقه سنتی، ضرر باید بالفعل، مسلم و مالی باشد. در حالی که تفویض فرصت عموماً یک «عدم‌النفع محقق‌الحصول» است. یعنی سودی که هنوز واقع نشده ولی عرفاً قابل تحقق دانسته

ضمان ناشی از روابط قراردادی (مثل عقد ضمان) و ضمان قهری (مانند اتلاف، غصب یا تسبیب) تفاوت قائل شده‌اند. بر اساس قواعد مشهور فقهی، هر گاه کسی مال دیگری را بدون اذن او تلف کند (قاعده «مَنْ أَتْلَفَ مَالَ الْغَيْرِ فَهُوَ ضَامِنٌ») یا مرتکب عدوانی دیگر شود، ضامن خواهد بود. علاوه بر این، قاعده «لا ضرر و لا ضرار» و قواعدی همچون حرمت غصب و احترام مال مسلم نیز تأکیدی بر جبران ضرر در برخورداری از حقوق دیگران است. این قواعد مبنایی عقلایی و نقلی دارد: شارع هیچ ضرری را در اسلام مشروع ندانسته و اساس نظم اجتماعی در جبران بی‌عدالتی است (Rahimi-Nia, 2015).

به نظر نگارنده از آنجا که هدف قطعی ضمان قهری، جبران خسارت است، تفکیک اموری نظیر ترک فعل یا سبب شدن در ضرر چندان ملاک نیست. به نظر می‌رسد مفهوم کلی ضمان به‌گونه‌ای باید تفسیر شود که هر عملی (چه مستقیم و چه واسطه‌ای) که منجر به ضرر مسلم دیگری گردد، ضامن را مسئول سازد. در عمل، فقه امامیه هر دو صورت را تحت مجازات می‌بیند و معیار، تحقق ضرر است.

بررسی قاعده تسبیب در فقه امامیه

در فقه امامیه، «تسبیب» به حالتی اطلاق می‌شود که فردی به‌صورت غیرمستقیم، از طریق فعل یا ترک فعلی که سبب واسطه در ورود ضرر است، موجب خسارت به دیگری می‌شود؛ بی‌آنکه خود مباشر آن زیان باشد. در مقابل، «مباشرت» زمانی تحقق می‌یابد که ضرر مستقیماً از فعل فاعل پدید آمده باشد.

شیخ انصاری در المکاسب در تعریف تسبیب می‌نویسد: «السبب هو ما لو لا حصوله لما حصل المسبب و لو كان مسبوقاً بواسطة عرفية بين الفعل و النتيجة» (Al-Ansari, 2009).

یعنی: سبب آن است که اگر تحقق نیابد، نتیجه (ضرر) نیز حاصل نمی‌شود، حتی اگر واسطه‌هایی میان آن‌ها وجود داشته باشد. به بیان دیگر، ملاک تسبیب، نقش مؤثر و عرفی یک فعل در پدید

می‌شود. برخی از فقها و حقوق‌دانان معاصر، با تکیه بر عرف عقلایی و رویه عملی بازار، معتقدند که چنین فرصت‌هایی دارای ارزش مالی واقعی هستند و تفویت آن‌ها مصداق ضرر است (Jafari, 2021).

شرط مهم دیگر، قابلیت ارزیابی خسارت است. اگر نتوان ارزش فرصت از بین رفته را تخمین زد (مثلاً امکان استخدام در آینده‌ای نامعلوم)، امکان مطالبه ضمان ساقط می‌شود. در مقابل، اگر فرصت مالی مشخص، مانند شرکت در یک قرارداد خاص یا حق اجاره‌دادن مغازه در موعد معین از بین برود، قابل ارزیابی خواهد بود.

به نظر نگارنده، تفویت فرصت در فقه امامیه، یک مفهوم قابل توجیه و قابل تطبیق با قواعد ضمان است، به شرط آن‌که:

۱. فرصت از نوع محقق‌الحصول عرفی باشد؛ یعنی احتمال تحقق منفعت، بالا و معقول باشد.
۲. زیان به دلیل فعل یا ترک فعل فاعل باشد، نه حادثه خارجی صرف.
۳. رابطه‌ی سببیت عرفی و انتساب فقهی بین عمل و نتیجه وجود داشته باشد.

هر جا این شرایط فراهم باشد، سلب فرصت به‌مثابه محروم کردن فرد از یک حق مشروع تلقی شده و ضمان در آن متوجه فاعل خواهد بود.

از آنجا که امروزه در اغلب معاملات، «فرصت» خود موضوع ارزشمند و گاه موضوع عقد است (مثل قراردادهای پیش‌فروش، مزایده، یا امتیاز)، فقدان این فرصت مساوی با ورود ضرر مستقیم خواهد بود. بنابراین، لازم است فقه امامیه، با تکیه بر قواعدی چون «الاضرر» و «اتلاف منافع»، جبران تفویت فرصت را از مصادیق ضمان قهری تلقی کند.

در فقه امامیه، «ضمان» به التزام بر جبران زیانی گفته می‌شود که بر اثر فعل یا ترک فعل ضامن به دیگری وارد آمده است. فقها میان

آمدن زیان است، ولو اینکه میان آن و ضرر، مباشر دیگری قرار گیرد.

فقهاء معمولاً بین سبب ضعیف و سبب قوی تمایز می‌گذارند و ضمان را بر کسی تحمیل می‌کنند که در زنجیره سببیت، نقش مؤثرتر و نزدیک‌تر داشته باشد. این تفکیک را در بحث «المباشر اقوی من السبب» می‌توان دید (Najafi, 1988).

برای تحقق ضمان ناشی از تسبیب، وجود چهار رکن لازم است:

الف) فعل یا ترک فعل

باید یک کنش یا ترک فعلی از ناحیه فاعل انجام شود. ترک فعل در صورتی موجب ضمان است که فاعل مکلف به انجام آن بوده باشد. مثلاً کارفرمایی که از الزام قانونی به معرفی کارگر به کار امتناع می‌ورزد، در صورت تفویت فرصت اشتغال، در مظان ضمان قرار می‌گیرد.

ب) تقصیر یا عدوان

در فقه امامیه، برخلاف برخی مکاتب حقوقی غربی، صرف وجود تقصیر شرط اصلی برای ضمان نیست، اما نقش مهمی دارد. به تعبیر آیت‌الله سیستانی در الدر الوسیعة: «لا یشرط فی الضمان قصد الإضرار، بل یتکفی بتحقیق أثر الضرر و نسبت عرفی إلی الفاعل».

(Sistani, 2019)

بنابراین، حتی بدون نیت زیان، اگر فعل عرفاً منتهی به ضرر شود و فاعل مرتکب تعدی یا تفریط گردد، ضامن خواهد بود.

ج) رابطه‌ی سببیت عرفی

رکن کلیدی تسبیب، رابطه عرفی بین فعل فاعل و ضرر واردشده است. در مواردی مانند حفر چاه در راه عموم، یا قراردادن مانع در مسیر تردد مردم، فقهاء تسبیب را مسلم دانسته‌اند، حتی اگر فاعل قصد ضرر نداشته باشد (Shahid Awwal, 1996).

در تفویت فرصت نیز اگر این رابطه اثبات شود - مثلاً شخصی مانع ورود دیگری به جلسه مزایده شود - این فعل در حکم تسبیب خواهد بود.

د) تحقق ضرر

ضرر باید واقعی و ملموس باشد. هرگاه فرصت از دست‌رفته دارای ارزش عرفی و قابلیت برآورد مالی باشد، فقه، آن را ضرر محسوب می‌دارد. تفویت فرصت‌های شغلی، مالی، یا معاملاتی قابل اثبات و محاسبه، در زمره ضررهای مشمول ضمان قرار می‌گیرند (Jafari, 2021).

در فقه امامیه، تسبیب به انواع مختلفی تقسیم شده است:

الف) مباشر اقوی من السبب

اگر بین سبب و ضرر، مباشر مستقلاً قرار گیرد، و مباشرت او عرفاً قاطع نسبت تلقی شود، ضمان از سبب برداشته می‌شود. مثلاً اگر فردی سنگی در راه بیندازد و دیگری آن را با شدت به سمت رهگذری پرتاب کند، مباشر ضامن است.

ب) تداخل اسباب

اگر چند سبب با هم منتهی به ضرر شوند و هیچ‌کدام قاطع‌تر از دیگری نباشند، فقهاء گاه قائل به ضمان مشترک‌اند. این حالت در مواردی مانند اقدامات جمعی در ممانعت از فرصت فردی دیده می‌شود.

ج) تساوی اسباب

در صورتی که همه اسباب به یک اندازه مؤثر باشند و شناسایی مباشر اقوی ممکن نباشد، ضمان به همه سرایت می‌کند، مگر یکی بری‌الذمه بودن خود را ثابت کند (Najafi, 1988).

در مسأله تحقیق (تفویت فرصت)، اگر فعل فاعل سبب عرفی در از بین رفتن فرصت باشد، و عرفاً میان رفتار او و زیان رابطه‌ای مستقیم یا مؤثر برقرار گردد، قاعده تسبیب جاری خواهد بود.

مثال فقهی آن در جواهر الکلام چنین آمده است: «من سدّ طریقاً کان معتاداً للسلوک، و منع غیره من السیر، فوقع فی خساره، کان ضامناً» (Najafi, 1988).

در این روایت، تسبیب از طریق منع حرکت و ایجاد مانع، موجب ضمان شناخته شده است. بنابراین، می‌توان با تنسیق‌سازی عرفی،

دومین وجه اشتراک، تشخیص عرفی ضرر است. در هر دو مورد، مرجع تشخیص وجود یا عدم ضرر، «عرف عقلایی» است؛ نه صرف تشخیص شخصی فاعل یا متضرر.

وجه سوم، قابل جبران بودن زیان وارده است. در قاعده تسبیب، اگر ضرر وارد شده به مال یا حق مشروع دیگران باشد، فاعل ضامن است. در تفویت فرصت نیز، اگر فرصت ازدست رفته، منفعتی مشروع، قابل تحقق و دارای ارزش عرفی باشد، فقها امکان ضمان را بعید ندانسته‌اند (Jafari, 2021; Sistani, 2019).

نقاط افتراق: تفاوت در قطعیت ضرر، نوع سببیت، اثر عرفی و اراده مسبب

با وجود اشتراکها، تفاوت‌هایی اساسی بین دو مفهوم وجود دارد:

الف) قطعیت ضرر

در تسبیب، معمولاً ضرر، عینی و محقق الوقوع است؛ مانند شکستن مال یا تلف جان. اما در تفویت فرصت، ضرر غالباً محتمل‌التحقق است. به همین دلیل، برخی فقها در پذیرش ضمان در این مورد تحفظ دارند. مثلاً آیت‌الله سیستانی تصریح دارد که: «إذا لم یکن الضرر من النوع المحقق عرفاً، لا یثبت الضمان و إن کان احتمال الفوت قویاً» (Sistani, 2019)

با این حال، چنانچه فرصت ازدست رفته در عرف اقتصادی، محقق‌الحصول باشد (مثل فرصت استخدام در آزمونی که شخص صلاحیت لازم را داشته است)، قطعیت ضرر قابل اثبات خواهد بود.

ب) نوع سببیت

در تسبیب، معمولاً سبب، حادثه‌ای فیزیکی است؛ مانند حفر چاه، آتش‌افروزی، تخریب. در حالی که در تفویت فرصت، سبب ممکن است اقدام حقوقی یا اداری باشد، مانند لغو غیرقانونی مجوز یا امتناع از امضا. از این منظر، تسبیب بیشتر در حوزه‌ی ضمان‌های مادی مطرح است، ولی تفویت فرصت ماهیت نرم و اقتصادی‌تری دارد.

سلب فرصت را نیز در ردیف همین موارد دانست؛ خصوصاً زمانی که نتیجه‌ی فعل، مانع مستقیم تحقق منفعت مشروع باشد.

بررسی ساختار فقهی تسبیب نشان می‌دهد که:

- اولاً، مسئولیت فقهی مبتنی بر تأثیر عرفی است، نه لزوماً بر مباشرت؛

- ثانیاً، ضرورتی ندارد که ضرر واقع شده، عین مال باشد؛ بلکه هر منفعت محقق‌الحصولی که به سبب فعل یا ترک فعل دیگران از بین رفته باشد، قابل جبران است؛

- ثالثاً، عرف اقتصادی امروز، فرصت‌های از دست رفته را به عنوان ضرر مالی به رسمیت می‌شناسد.

بنابراین، نگارنده بر این باور است که قاعده تسبیب در فقه امامیه، به لحاظ مبنایی و مفهومی، ظرفیت کامل برای پذیرش ضمان تفویت فرصت را دارد. با تکیه بر مبنای عقلایی، قواعدی چون لاضرر، اتلاف، و نیز مفهوم موسع تسبیب، باید زمینه را برای گسترش ضمان به این حوزه فراهم کرد. به‌ویژه در مواردی که رابطه عرفی بین فعل و فقدان نفع مشروع قابل اثبات باشد، هیچ منع فقهی مؤثری برای الزام به جبران دیده نمی‌شود.

مقایسه تطبیقی ضمان تفویت فرصت با قاعده تسبیب

نقاط اشتراک: اشتراک در لزوم سببیت، عرفی بودن، و زیان‌بار بودن نتیجه

نخستین وجه اشتراک میان ضمان ناشی از تفویت فرصت و قاعده تسبیب، لزوم وجود رابطه عرفی سببیت بین فعل فاعل و نتیجه زیان‌بار است. چه در تسبیب و چه در تفویت فرصت، فعل مستقیم فاعل لزوماً در ایجاد ضرر نقش ندارد، بلکه نقش مؤثر واسطه‌ای کفایت می‌کند.

در هر دو، آنچه اهمیت دارد «اثر عرفی» فعل در وقوع ضرر است. چنان‌که شیخ انصاری در مکاسب تصریح دارد: «العبء فی الضمان بالسببیه العرفیه و لو کانت بواسطهات عدیده» (Al-Ansari, 2009).

ج) اراده فاعل و قصد اضرار

در فقه تسبیب، اثبات قصد اضرار شرط نیست. اما در برخی آرای فقهی، در تقویت فرصت، اراده فاعل و احتمال سوءنیت می‌تواند بر تشخیص ضمان مؤثر باشد (Sanai, 2019). البته دیدگاه غالب در فقه امامیه، شرط نبودن سوءنیت برای ضمان است، چه در تسبیب و چه در تقویت فرصت، اگر نتیجه زیان‌بار انتساب عرفی داشته باشد.

با توجه به مشترکات ساختاری میان تقویت فرصت و تسبیب، این سؤال مطرح است که آیا می‌توان تقویت فرصت را یکی از مصادیق قاعده تسبیب دانست؟

دیدگاه نخست (دیدگاه توسعه‌گرا) قائل به آن است که: «کُلُّ مَنْ فَوَّتَ عَلَى غَيْرِهِ مَصْلَحَةً مَشْرُوعَةً، بِسَبَبِ فِعْلٍ لَهُ، وَ كَانَ لِفِعْلِهِ مَدْخِلِيَّةٌ عَرَفِيَّةٌ فِي الْفَوْتِ، فَهُوَ ضَامِنٌ.» (Sanai, 2019)

بر پایه این دیدگاه، تقویت فرصت به‌عنوان یک نوع ضرر عرفی، اگر ناشی از فعل یا ترک فاعل باشد، تحت شمول قاعده تسبیب است. نمونه‌های آن در فتاوی‌ای‌الله مکارم شیرازی و صانعی دیده می‌شود، به‌ویژه در موضوعاتی مانند حبس بی‌مورد، لغو ناعادلانه قرارداد، یا بستن محل کسب.

در مقابل، دیدگاه دوم (احتیاطی و مضیق) قائل است که تسبیب صرفاً شامل مواردی می‌شود که زیان واقعی و ملموس بر عین مال یا منفعت موجود وارد شده باشد، و فرصت‌های از دست‌رفته به‌دلیل احتمال تحقق، خارج از شمول آن هستند (Sistani, 2019).

تحلیل تطبیقی نگارنده: با توجه به تحول نگاه عرف و فقه معاصر به مقوله فرصت و ارزش آن در ساختار اقتصادی و حقوقی، به‌نظر می‌رسد که تقویت فرصت در بسیاری از موارد، با معیارهای فقهی تسبیب هم‌پوشانی دارد؛ به‌ویژه اگر:

- زیان وارده عرفاً قابل تشخیص باشد؛
- رابطه میان فعل فاعل و زیان روشن باشد؛

• فرصت محقق‌الحصول و قابل تقویم باشد.

در چنین شرایطی، تمسک به قاعده تسبیب برای اثبات ضمان تقویت فرصت کاملاً موجه و منطبق با اصول فقه امامیه است. نظریه‌های فقهی در پذیرش یا رد ضمان تقویت فرصت در قالب تسبیب بدین شرح می‌باشد:

نظریه اول: پذیرش ضمان به‌مثابه تسبیب (نظریه موسع)

برخی از فقهای معاصر مانند آیت‌الله صانعی، آیت‌الله موسوی تبریزی، و نیز تحلیل‌گران نوگرای فقهی، معتقدند تقویت فرصت در بسیاری از مصادیق خود دقیقاً همان تسبیب به ضرر است و می‌تواند ضمان‌آور باشد.

«السبب ليس محصوراً في الأفعال المادية، بل كل من كان فعله سبباً عرفياً في فوت حق أو مصلحة مشروعة، فهو ضامن.» (Sanai, 2019)

نظریه دوم: پذیرش مشروط

برخی مانند آیت‌الله سیستانی و آیت‌الله سبحانی، با وجود پذیرش اصل ضمان، آن را مشروط به تحقق ضرر مسلم و قابل تقویم می‌دانند. در این دیدگاه، تنها مواردی که فرصت محقق‌الحصول از دست‌رفته به‌علت فعل فاعل باشد، ضمان‌پذیرند (Sistani, 2019).

نظریه سوم: انکار ضمان به‌طور کلی

اقلیتی از فقهای سنت‌گرا، مانند برخی شاگردان مکتب اصولی نائینی، با استناد به اصل عدم ضمان و فقدان نص خاص، ضمان در این موارد را غیرقابل اثبات می‌دانند، مگر در صورت ورود عینی به مال. این دیدگاه امروزه کمتر مورد پذیرش است.

با تحلیل تطبیقی انجام‌شده، روشن می‌شود که میان ضمان ناشی از تقویت فرصت و قاعده تسبیب همپوشانی مفهومی و فقهی جدی وجود دارد. اگرچه در برخی موارد تقویت فرصت از حیث قطعیت زیان یا ماهیت ضرر تفاوت‌هایی با تسبیب دارد، اما در بسیاری از موارد می‌توان آن را ذیل قاعده تسبیب تحلیل کرد.

بنابراین، تفویت فرصت یک مصداق نوین از تسبیب در فقه امامیه است که با گسترش دامنه عرفی مالیت، مفهوم ضرر و تحلیل جدید از سببیت فقهی، قابل انطباق و پذیرش در نظام ضمان است.

از منظر فقهی، ضمان ناشی از «از بین بردن اسباب فرصت» را می‌توان گونه‌ای خاص از تسبیب در نظر گرفت. هر دو مفهوم بر «سببیت» در ورود زیان تکیه دارند؛ در حالی که اتلاف متناسب با عمل مباشر است، سلب فرصت رنگ تسبیبی دارد. به عبارت دیگر، «سلب فرصت» زمانی ضمان‌آور است که اثبات شود بین عمل مانع تراش (فعل یا ترک) و ورود ضرر رابطه سببیت برقرار شده است. بسیاری از فقیهان معاصر بر این نکته تصریح کرده‌اند که اعمالی مثل منع دسترسی به منفعت مشروع - منجر به زیان مسلم دیگری - از منظر قواعدی همچون لاضرر و اتلاف غیردسترس، آثاری شبیه تسبیب دربر دارد. بنابراین، می‌توان ضمان ناشی از سلب فرصت را زیرمجموعه‌ای از تسبیب دانست؛ به گونه‌ای که برای جبران آن، ثابت شدن رابطه سببیت و تقصیر مسبب کافی است (Fallah & Meysami, 2022).

به نظر نگارنده با این نگاه، «ضمان تفویت فرصت» را نه یک قاعده مستقل، بلکه مصداق خاصی از ضمان تسبیبی می‌توان تلقی کرد. به بیان دیگر، اگر کسی باعث فرو ماندن فرصت مشروع دیگری شود و از این ناحیه ضرر مسلمی به او برسد، مسئولیت ناشی از تسبیب اعمال می‌شود. این برداشت ضمن حفظ وحدت قواعد ضمان، امکان شناسایی دقیق‌تر موارد متعدد مسئولیت مدنی را فراهم می‌آورد.

در مقایسه تفویت فرصت با قاعده تسبیب، تفاوت‌های مهمی به چشم می‌خورد:

- ماهیت ضرر: تسبیب زمانی مصداق پیدا می‌کند که مال یا منفعت بالفعل دیگری تلف شود یا ضرری واقع گردد (مثلاً فروش کالا به بیگانه و نپرداختن قیمت آن، مصداق تسبیب است). اما تفویت فرصت به معنای محروم شدن از منفعت احتمالی است که هنوز

«متعین» و بالفعل نیست. در عمل فقهی، اتلاف به مال فعلی اطلاق می‌شود و چون «عدم‌النفع محقق‌الحصول» مال بالفعل نیست، به طور سنتی ادله اتلاف/تسبیب را شامل آن نمی‌دانند. با این حال، برخی معاصران نظر مخالف دارند و معتقدند مانع تراشی در راه کسب منافع واضح (به‌ویژه در قراردادهای استخدامی یا اجاره) حکم به اتلاف دارد و واجد ضمان می‌باشد (Subhani, 2016).

- شرایط ضمان: در قاعده تسبیب، عنصر «قصد زیان» شرط نیست و صرف ارائه علت قهری برای خسارت کفایت می‌کند. ولی در تفویت فرصت گاهی به‌نظر می‌رسد شرط تحقق عرفی و قطعیت ضرر (بنا به تبصره قانون آیین دادرسی کیفری) برای الزامی شدن جبران لازم باشد. بعضی فقها می‌گویند ضمان ناشی از تسبیب بر نیت مبتنی نیست؛ اما در خسارت تفویت فرصت، چون زیان هنوز «مهلت منفعلی» است، برخی قائل‌اند شرط عرفی تحقق (تصدیق تلف منافع به صورت متعارف) وجود دارد (Mirshakari & Madadi, 2023).

- دلیل ضمان: فقها برای ضمان تسبیب عمدتاً به دلالت قاعده «مَنْ أَتْلَفَ مَالَ الْغَيْرِ فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ» و احکام عام لاضرر تمسک می‌کنند. در مقابل، در تفویت فرصت استدلال به این‌که اسباب ضرر از بین رفته کافی است نیز محل بحث است. گروهی اصرار دارند که چون ضرر هنوز محقق نشده، ضمان اثبات نمی‌شود؛ اما نظرات امروزی فقها و حقوق‌دانان بیانگر گسترش مفهوم ضرر (شامل تفویت منفعت قطعی) می‌باشد (Naqibi & Zarchi-Pour, 2018).

- رویکرد عملی: در حوزه مسئولیت مدنی معاصر ایران و در رویه قضایی نیز، قائلان به تسبیب مسئولیت برای تفویت فرصت رویکرد تقابلی دارند. برخی آرا (و نظرات فقهایی مانند صانعی) حتی ضمان اجرت‌المثل به واسطه قاعده اتلاف و تسبیب را برای حالت منع کار یا حبس کارگر پذیرفته‌اند. در حالی که مشهور فقها آن را منوط به قطعیت تلف منافع می‌دانند (Safai & Rahimi, 2015).

به نظر نگارنده تفویت فرصت را نوعی «ضرر ممکن الحصول» می‌بینم که امروزه بسیاری از قواعد کلی فقه و حقوق (مانند لاضرر، اتلاف و تسبیب با عرف عمومی) آن را تحت شمول جبران قرار می‌دهند. اگرچه پرداخت خسارت عدم‌النفع مستلزم ملاحظه شروط خاص و قطعیت عرفی است، ولی با گسترش مفهوم «مال عرفی» و ارزیابی منافع به‌عنوان جزء واجد ارزش اقتصادی، تفویت فرصت را می‌توان در زمره موارد تسبیب (یا دست‌کم ضامین اتلاف) به‌شمار آورد. در نتیجه، برای موضوع پرسش (ضمان از بین بردن اسباب فرصت)، نتیجه می‌گیرم که در صورت تحقق شرایط عرفی ضرر یا تلف منافع، ذی‌نفع می‌تواند مطابق مبانی فقهی فوق‌الذکر، مطالبه جبران را مطرح نماید.

نتیجه‌گیری

بررسی فقهی و تطبیقی مسئله «ضمان ناشی از از بین بردن اسباب فرصت» نشان می‌دهد که اگرچه این مفهوم در متون فقهی قدیم با این عنوان صریح مطرح نشده، اما مبانی و قواعد موجود در فقه امامیه ظرفیت کامل برای پذیرش چنین ضمانی را داراست. قواعدی نظیر اتلاف، لاضرر، ضمان ید و به‌ویژه تسبیب به‌گونه‌ای هستند که می‌توان با تکیه بر آنها، مواردی چون تفویت فرصت‌های مشروع و متعارف را نیز مشمول ضمان دانست، به‌شرط آنکه سه عنصر کلیدی سببیت عرفی، قابلیت انتساب، و قطعیت عرفی زیان در آن احراز گردد.

مطالعه تطبیقی با مفهوم تسبیب نیز نشان می‌دهد که بین این دو موضوع همپوشانی قابل توجهی وجود دارد. تفویت فرصت، omission, obstructs another's legitimate benefit or denies them the chance to avert a loss. This notion becomes critically important in light of contemporary economic and legal systems, where opportunities—particularly financial and occupational—are treated as assets with tangible value. The jurisprudential discourse, historically cautious about recognizing loss of profit ('adam al-naf') as compensable harm, has been compelled to

هرچند گاه منجر به از بین رفتن «عدم‌النفع محقق الحصول» می‌شود و نه تلف عین خارجی، اما در مواردی که فرصت دارای ارزش مالی عرفی، شانس تحقق بالا و انتساب روشن به فعل یا ترک فعل فاعل باشد، به‌لحاظ فقهی می‌تواند مصداقی از تسبیب تلقی گردد. فقه‌های معاصر مانند آیت‌الله صانعی، آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله سیستانی، هر یک با استناد به مبانی فقهی، ضمان در چنین مواردی را یا به‌طور مطلق یا مشروط به تحقق ضرر مسلم پذیرفته‌اند. این امر نشان‌دهنده تحول در نگاه فقهی به مفهوم ضرر و به رسمیت شناختن ارزش اقتصادی فرصت‌های از دست رفته است.

در مجموع، می‌توان گفت که فقه امامیه با استفاده از ظرفیت‌های موجود در قواعد سنتی خود، توان پاسخ‌گویی به مسائل نوپیدی چون تفویت فرصت را دارد؛ به‌ویژه در عصری که فرصت‌ها خود سرمایه محسوب می‌شوند و محروم‌سازی از آنها می‌تواند منجر به خسارات قابل توجه شود. این نتیجه‌گیری نه تنها گامی در جهت توسعه نظریه مسئولیت مدنی در فقه است، بلکه می‌تواند پشتوانه‌ای برای رویه قضایی، تقنین نوین و داوری در دعاوی معاصر باشد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

In the realm of Imamiyyah jurisprudence, the concept of involuntary liability occupies a pivotal role, especially when individuals, in the absence of contractual obligations, cause damage to others. A novel and increasingly pertinent facet of this domain is the liability stemming from the “elimination of opportunity-enabling factors”—a situation wherein a person, either through action or

evolve. Emerging scholarly perspectives underscore that opportunities, once deemed intangible, now hold pecuniary value based on prevailing economic customs and practices. Hence, Imamiyyah jurists are increasingly engaging with the proposition that if the destruction of such an opportunity meets the criteria of customary causation, legal attribution, and quantifiable harm, then liability should logically and ethically ensue. The foundation for this transformation lies in well-established jurisprudential principles such as the rule of no harm (*lā ḍarar*), destruction (*itlāf*), possession-based liability (*ḍamān al-yad*), and causation (*tasbīb*), each of which, in its evolving interpretation, opens a pathway for the acceptance of opportunity-based damages as legally compensable events (Fallah & Meysami, 2022; Naqibi & Zarchi-Pour, 2018; Zarei et al., 2021).

This study proceeds with a descriptive-analytical method, reviewing canonical juristic texts, comparative legal doctrines, and the interpretations of both classical and contemporary Imamiyyah jurists to delineate the contours of opportunity-based liability. The rule of destruction, for instance, has traditionally applied to tangible assets, but jurists such as Sheikh Ansari and Sahib al-Jawahir extended its scope to encompass non-material interests, affirming that destruction of use (*manfaʿah*) is just as compensable as destruction of property (Al-Ansari, 2009; Najafi, 1988). This jurisprudential elasticity reflects the growing recognition of economic realities, wherein the deprivation of employment prospects or the obstruction of contractual participation equates to financial harm. The rule of no harm similarly supports this expansion, as it invalidates actions that cause undue loss without justification (Al-Hurr Al-Amili, 1989; Khomeini, 1989). The jurisprudential defense for such liability finds reinforcement in judicial practices across systems like France and England, where courts

have moved beyond direct causation models to include probabilistic harm and the loss of legitimate expectation as compensable (Frasca, 2008; Safai & Rahimi, 2012). These analogies bolster the Imamiyyah view that in a modern economic context, the opportunity lost—especially when proximate and likely—is a justiciable claim.

Central to this inquiry is the principle of causation and its articulation in the form of the jurisprudential rule of *tasbīb*. Unlike direct liability (*mubāsharah*), which necessitates immediate causation, *tasbīb* accommodates a broader framework where harm arises from indirect or mediated actions. Sheikh Ansari's definition posits that a cause (*sabab*) is a factor without which the outcome would not have occurred, even if intervening agents are present (Al-Ansari, 2009). This is particularly pertinent to the discussion of opportunity loss, which typically involves indirect actions—such as withholding a signature, blocking access, or delaying a required administrative act—that prevent another party from realizing a benefit. Jurists have underscored that in both *tasbīb* and opportunity loss, the requisite element is not intent but attributable effect; if a behavior is customarily deemed a contributing factor to the harm, liability arises regardless of directness or intention (Sanai, 2019; Sistani, 2019). The threshold lies in the customary understanding of causality: if the public considers the act a decisive reason for the loss, the juristic system must align with this perception. Hence, opportunity loss operates not outside the structure of traditional jurisprudence, but rather as a recontextualized form of *tasbīb*, enriched by the insights of comparative legal thought.

An important point of discussion lies in the conceptual and jurisprudential overlap between opportunity loss and *tasbīb*, which share three core elements: the existence of harm, its causal linkage to an act or omission, and the customarily recognized value of the

loss. Yet differences persist. Whereas *tasbīb* typically addresses damage to existing property or enforceable rights, opportunity loss frequently involves benefits that are probable rather than realized. This introduces challenges related to the definitiveness of harm and its monetary evaluation. Still, legal and juristic systems have gradually come to accept probabilistic damage in contexts where the opportunity was clear, foreseeable, and practically achievable—such as missing a job interview or a licensing deadline due to another’s interference. Such recognition is reinforced by the increasing role of economic custom (*‘urf*) in jurisprudential rulings, which now accept intangible assets, potential earnings, and missed chances as items of value (Jafari, 2021; Subhani, 2016). Furthermore, in real-world adjudications, courts have begun awarding damages based on the likelihood of success or benefit, thereby acknowledging the monetary worth of lost opportunities. This shift reorients jurisprudence from a tangible-based model of liability to one that encompasses relational, prospective, and economically significant losses.

The debate over attributability (*intisāb*) further complicates the issue of liability for opportunity loss. For liability to attach, not only must the harmful act cause the loss, but it must also be imputable to the actor based on rational and customary standards. Imamiyyah jurists emphasize that only acts carried out with awareness and within the actor’s sphere of responsibility can be attributed for the purposes of liability. Therefore, a doctor acting within medical guidelines who indirectly causes a delay may be shielded under the rule of benevolence (*iḥsān*), while a supervisor arbitrarily blocking a job application cannot claim the same immunity (Shahid Thani, 1983). This distinction underscores the moral foundation of Imamiyyah jurisprudence: liability is not merely a function of outcomes but also of duty and discretion. Moreover, the

valuation of harm must pass the threshold of customary definitiveness—meaning that the loss must not be speculative, remote, or abstract. Instead, it must be a recognizable and assessable detriment, which courts and jurists can evaluate using contemporary standards of economic impact and social fairness (Perillo, 1994; Safai & Rahimi, 2015).

A comparative analysis highlights the capacity of Imamiyyah jurisprudence to harmonize with international legal standards concerning civil liability. For example, French courts have long considered the “loss of chance” doctrine as a separate head of liability, compensating claimants based on the probability of success had the opportunity been preserved. This mirrors Imamiyyah concepts of partial or probabilistic liability, where indemnity may be due even if full loss is not provable, provided that harm is reasonably foreseeable and customarily significant (Rogers, 1994; Shavell, 1985). Similarly, in Anglo-American tort law, the emphasis on “but-for” causation has given way to more nuanced approaches that accommodate multifactorial harm. This mirrors the Imamiyyah approach to *tasbīb*, which considers multiple contributors to damage and apportions liability based on the prominence and proximity of causes. The jurisprudential bridge that links *tasbīb* and opportunity loss, then, is the shared recognition that the denial of access, prevention of benefit, and deprivation of a rightful position all constitute actionable harm under evolving doctrines of justice and equity (Mirshakari & Madadi, 2023).

In conclusion, the present inquiry establishes that the liability arising from the elimination of opportunity-enabling factors is not merely a modern innovation but a concept deeply rooted in the established principles of Imamiyyah jurisprudence. It articulates a robust framework wherein loss of opportunity—if proven to be causally linked, imputable, and economically significant—can

be treated under the traditional rule of *tasbīb*. This synthesis allows Imamiyyah jurisprudence to evolve in step with contemporary legal systems while maintaining its internal coherence. More importantly, it addresses a crucial lacuna in civil liability theory by acknowledging that in an age where opportunities equate to capital, their deprivation must be justiciable. Therefore, by interpreting opportunity loss as a specific manifestation of causation, Imamiyyah jurisprudence not only preserves doctrinal continuity but also extends its relevance and applicability to the legal challenges of modern economic life.

References

- Aboulghasemi, M. (2022). Examining the Rule of Causation in Imamiyyah Jurisprudence and Criminal Law in the Iranian Legal System. *Contemporary Legal Thought*, 8(2), 1-11.
- Al-Ansari, M. (2009). *Al-Makasib* (Vol. 1). Islamic Publishing Office.
- Al-Hurr Al-Amili, M. b. H. (1989). *Wasa'il al-Shi'a ila Tahsil Masa'il al-Shari'a* (Vol. 23). Al-Bayt Foundation.
- Chegwei, L. (2008). *Remedies for Non-performance - Perspectives from CISG*
- Esta, M. H., Afras, G., & Ahmadi, J. (2023). Comparative Analysis of the Claimability of Loss Due to Missed Opportunities Resulting from Delayed Monetary Payments in Jurisprudence and Law. *Legal Encyclopedias*, 6(19), 23-45.
- Fallah, S. M., & Meysami, H. (2022). Liability Arising from Missed Opportunities in Imamiyyah Jurisprudence. *Applied Jurisprudence Research*, 8(3), 201-228.
- Fazel Lankarani, M. (2014). *Durar al-Fawa'id fi Sharh al-Qawa'id* (Vol. 2). Fazel Publishing Institute.
- Frasca, R. (2008). Loss of Chance Rules and the Valuation of Loss of Chance Damages. *Journal Legal Economics*, 15, 80-99.
- Jafari, M. (2021). From the Rule of No Harm to the Rule of Absolute Causation: Jurisprudential Developments in Civil Liability. *Quarterly Journal of Islamic Jurisprudence and Law Studies*, 5(2), 35-53.
- Khomeini, R. (1989). *Tahrir al-Wasilah* (Vol. 2). Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Mirshakari, A., & Madadi, S. (2023). Examining Two Cases Regarding Non-Benefit - Research and Development in Comparative Law. 6(18), 51-78.
- Najafi, M. H. (1988). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharayi' al-Islam* (Vol. 37). Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Naqibi, S. A., & Zarchi-Pour, R. (2018). The Theory of Compensation for Non-Benefit That Could Have Been Achieved in Imamiyyah Jurisprudence. *Jurisprudential and Principled Studies*, 4(11), 119-144.
- Perillo, J. (1994). *UNIDROIT Principles of International Commercial Contracts. The Black Letter Text and a Review*. <http://ir.lawnet.fordham.edu/flr/vol63/iss2/1>
- Rahimi-Nia, S. (2015). *Rules of Civil Liability in Imamiyyah Jurisprudence*. Islamic Jurisprudence Publishing.
- Rogers, W. V. H. (1994). *Win field and jolowicz on tort*. Sweet and Maxwell.
- Safai, A., & Rahimi, Z. (2015). The Difference Between the Concepts of 'Harm' and 'Non-Benefit' and the Scope of the Rule of No Harm. *Quarterly Journal of the Faculty of Law, University of Tehran*, 23(1), 17-46.
- Safai, S. H., & Rahimi, H. (2012). *Civil Liability (Obligations Outside of Contracts)*. SAMT Publications.
- Sanai, Y. (2019). *Lessons on the Rules of No Harm, Causation, and Destruction (Unpublished Jurisprudential Lessons)*. Ayatollah Sanai Jurisprudential Center.
- Shahid Awwal, A. J. M. b. M. (1996). *Al-Durus al-Shariyyah fi Fiqh al-Imamiyyah*. Islamic Publishing Institute affiliated with the Association of Teachers.
- Shahid Thani, Z. a. D. b. A. (1983). *Al-Rawdah al-Bahiyyah fi Sharh al-Lum'ah al-Dimashqiyyah* (Vol. 10). Dar al-Ta'aruf.
- Shavell, S. (1985). Uncertainty Over Causation and the Determination of Civil Liability. *The Journal of Law and Economics*, 28, 587-609. <https://doi.org/10.1086/467102>
- Sistani, A. (2019). *Al-Dar al-Wasi'ah fi Fiqh al-Imamiyyah* (Vol. 2). Imam Sistani Institute.
- Subhani, J. (2016). *Al-Nazariyyat al-Fiqhiyyah* (Vol. 2). Imam Sadiq Foundation.
- Tusi, M. b. H. (1987). *Al-Khilaf* (Vol. 3). Association of Teachers in the Islamic Seminary of Qom, Islamic Publishing Institute.
- Zarei, S. A., Salmanian, S., & Allameh, S. M. (2021). Jurisprudential Examination of Liability Arising from Missed Legitimate Opportunities Compensation for Loss Due to Missed Opportunities. *Modern Jurisprudential Research*, 9(2), 121-144.